

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مَنْ دُفِعَ خَدَّيْهِ الْقَلْبَاجُ

در باره پوشش بانوان

مهدی عدالتیان

بررسی پرسش‌هایی مهم



سرشناسه	: عدالتیان، مهدی، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: نامه‌ای به خواهرم: پاسخ به سوالات حوزه حجاب و عفاف/ مهدی عدالتیان؛ به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی؛ ویراستار انسیه غلامرضا پور.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ص: مصور.
شابک	: 978-622-6090-16-2: رایگان
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: پاسخ به سوالات حوزه حجاب و عفاف.
موضوع	: حجاب -- پرسشها و پاسخها
موضوع	: Hijab (Islamic clothing)-- Questions and answers
موضوع	: حجاب -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Hijab (Islamic clothing)-- Social aspects
موضوع	: حجاب
موضوع	: Hijab (Islamic clothing)
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ن ۴۰/۱۷/ع۴۰ BPT۲۲۰
رده بندی دیویی	: ۳۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۶۵۴۴۳



عنوان: **من دختر خیابان انقلابم** بررسی پرسش‌هایی مهم درباره پوشش بانوان

مؤلف: **مهدی عدالتیان**

به سفارش: **معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی**

ویراستار: **انسیه غلامرضا پور**

ارزیاب علمی: **حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی**

طراح جلد و صفحه‌آرا: **رضا نبی‌زاده**

ناشر: **معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی**

چاپخانه: **مؤسسه فرهنگی قدس**

شمارگان: **۳۰۰۰۰**

نوبت چاپ: **اول، ۱۳۹۷**

نشانی: **مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،**

بعد از باب الهادی علیه السلام، پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: **۳۵۱-۹۱۷۳۵** تلفن: **۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷**

فهرست

- گیرنده: خواهرم ۴
۱. بی حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟ ۸
- الف. برهم خوردن آسایش روانی ۱۰
- ب. سست شدن بنیاد خانواده ۱۰
- ج. تضعیف فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در جامعه ۱۳
- د. افزایش ناامنی و خیانت ۱۴
- ه. کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه ۱۶
۲. آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده است؟ ۱۹
- نکته اول: نهی زنان از آشکارکردن زینت ۲۱
- نکته دوم: پوشاندن گردن و سینه به وسیله روسری یا مقنعه ۲۳
۳. چه انگیزه‌ای برای حفظ پوشش وجود دارد؟ ۲۴
- الف. ابراز صداقت در دوستی با خداوند ۲۶
- ب. شکر نعمت سلامتی و زیبایی ۲۷
- ج. خلع سلاح شیطان ۲۹
- د. تحصیل امنیت فردی و اجتماعی ۳۲
- ه. شریک نشدن در جرم و تقصیر دیگران ۳۲
- و. دیگر آثار و برکات جانبی حفظ پوشش ۳۵
۴. چرا به مردان نمی‌گویند نگاه نکنید تا زنان مجبور نباشند خود را بیپوشانند؟ ۳۸
۵. چرا مردان مجازند... هرگونه می‌خواهند، لباس بیپوشند؛ اما زنان باید حدود پوشش را رعایت کنند؟ ۳۹
۶. درست است که من پوشش را رعایت نمی‌کنم... اما قصد ترویج فساد را ندارم؛ پس چرا از رفتارم ایراد می‌گیرید؟ ۴۱
۷. با بودن بی حجاب‌های فراوان... رعایت کردن و نکردن این موضوع از طرف من چه تفاوتی دارد؟ ۴۲
۸. اگر همه زن‌ها آزاد باشند، موضوع پوشش، طبیعی و عادی نمی‌شود؟ ۴۵
۹. چرا حتی یک تار موی خانم‌ها نباید آشکار باشد؟ ۵۰
۱۰. چرا وقتی خانمی می‌خواهد نماز بخواند... باید حد پوشش را رعایت کند؟ ۵۲
- الف. تمرین کمالات ۵۲
- ب. اعلام آمادگی برای طاعت و بندگی ۵۲
- سخن آخر ۵۴
- توصیه آخر ۵۷
- عهدنامه ۵۹
- کتابنامه ۶۰
- مسابقه فرهنگی من دختر خیابان انقلاب ۶۲



گیرنده: خواهرم

به نام خدای مهربان و آگاهی بخش

خواهرم، سلام. نامهات را خواندم.
نوشته بودی:

... من نمی‌خواهم ناآگاهانه مثل مادرانم حجاب داشته باشم. نمی‌خواهم کهنه‌پرست باشم. نمی‌خواهم تحقیر شوم. نمی‌خواهم از دیگران کمتر باشم. نمی‌خواهم بدون انگیزه و هدف، کاری را انجام دهم که پدر و مادرم می‌گویند...

اصلاً کجای قرآن نوشته است که زن باید حجاب داشته باشد؟

چرا مردان هرکاری دلشان بخواهد، می‌کنند و همه محدودیت‌ها برای زنان در نظر گرفته شده است؟ چرا نمی‌گذارند همه آزاد باشند تا این موضوع عادی و طبیعی شود و دیگر هیچ حساسیتی وجود نداشته باشد؟ شما آن قدر سخت گرفته‌اید که حتی اگر زنی در خانه‌اش تنها باشد و بخواهد نماز بخواند، می‌گویید در حال نماز هم باید حجاب داشته باشد! مگر خدا مرد است که باید از او هم رو گرفت؟!

اصلاً می‌خواهم بدانم بی‌حجاب بودن من چه ضرری برای دیگران دارد؟ من هرطور دلم بخواهد لباس می‌پوشم و آرایش می‌کنم، این به دیگران چه ربطی دارد؟! من که به قصد ایجاد انحراف و فساد آرایش نمی‌کنم. از این گذشته، چرا به مردها نمی‌گویید نگاه



نکنند؛ ولی زن‌ها باید خود را بپوشانند...؟! البته تصور نکن من بی‌دین و کافر هستم. باور کن من هم مثل تو خدا را قبول دارم، قرآن را قبول دارم، خیلی هم مؤمن هستم و اصلاً نمی‌خواهم که خدا از من ناراضی باشد. قدرناشناس هم نیستم: می‌دانم خدا چقدر به من نعمت داده است و غرق در نعمت‌های او هستم و دوست دارم هر روز به او نزدیک‌تر شوم و او را از خود راضی‌تر کنم؛ به‌ویژه الان که عازم مشهد هستم و قصد زیارت آقا علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام را دارم و دوست ندارم از من ناراضی باشد. موضوع فقط این است که می‌خواهم در مسائل دقت کنم و آن‌ها را بفهمم و آن‌طور زندگی کنم که درست است؛ نه آن‌طور که به من تحمیل می‌کنند. می‌گویم وقتی این همه خانم بی‌حجاب در جامعه هست، حجاب‌داشتن من چه فایده‌ای دارد؟ اگر قرار است کسی از بی‌حجابی من منحرف شود و به دامن گناه بیفتد، به فرض که به گناه بیفتد و به فرض که من باحجاب باشم، باز هم از دیدن دیگران به گناه می‌افتد؛ پس چه فرقی می‌کند که من باحجاب باشم یا بی‌حجاب؟

از همه این‌ها گذشته، چرا این قدر سخت‌گیری؟! چرا حتی یک تار موی زن هم نباید بیرون باشد؟ می‌خواهم بدانم این یک تار مو، چه ضرری دارد؟ چه فساد ایجاد می‌کند؟ تو باید به من حق بدهی. آخر من با چه انگیزه‌ای می‌توانم حجاب داشته باشم و چگونه خودم را قانع کنم؟!...



آری، نامهات را خواندم.

راستش اول خیلی تمایل نداشتم پاسخی بنویسم؛
اما برخی از عبارات نامهات، مرا وادار کرد تا دست به
قلم ببرم و پاسخی هرچند مختصر برایت بنویسم.
منظورم این عبارت هاست:

من نمی خواهم ناآگاهانه حرکت کنم؛

من قرآن را قبول دارم؛

من دوست دارم خدا از من راضی باشد؛

عازم مشهد و زیارت امام رضا علیه السلام هستم....

در دل گفتم حقایق را برایت می نویسم: اگر واقعاً
دنبال آگاهی و رضای خدا باشی، درباره آن ها فکر
می کنی و به قرآن مراجعه می کنی. وقتی دیدی
حرف هایم مستند به قرآن و حکم عقل است، آن ها
را می پذیری؛ اما اگر درحقیقت دنبال رضای خدا و
آگاهی نباشی، ...! نه معذرت می خواهم! چرا نباشی؟
چرا نخواهی حق را قبول کنی؟ مگر همه دنیا و آنچه
در دنیا است، چقدر ارزش دارد که برای چند روزی که
در آن هستیم، بخواهیم عقل و فهم و ایمان خود را
زیرپا بگذاریم!؟

من مطمئنم که تو فقط می خواهی بفهمی و طبق
فهم و درک خودت رفتار کنی. به همین علت هم



مصمم شدم پاسخ نامهات را بنویسم.
 برای اینکه پاسخ روشن تر بیان شود، همه حرف‌هایت
 را در ده نکته خلاصه کردم. این‌ها را برایت می‌نویسم و
 یک‌به‌یک به آن‌ها پاسخ می‌دهم؛ به این امید که مطالبم
 را با دقت بخوانی و در عین بی‌طرفی و انصاف، در آن‌ها
 دقت کنی و هر کدام را که حق یافتی، بپذیری:

۱. بی‌حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟
۲. آیا در قرآن لزوم پوشش بانوان مطرح شده است؟
۳. چه انگیزه‌ای برای حفظ پوشش وجود دارد یا
 به عبارت دیگر، فلسفه و حکمت پوشش چیست؟
۴. چرا به مردان نمی‌گویند نگاه نکنید تا زنان مجبور
 نباشند خود را بپوشانند؟
۵. چرا مردان مجازند هرکاری می‌خواهند، بکنند و





هرگونه می‌خواهند، لباس بپوشند؛ اما زنان باید حدود پوشش را رعایت کنند؟

۶. درست است که من پوشش را رعایت نمی‌کنم و با آرایش و لباس‌های شیک بیرون می‌آیم، اما قصد ترویج فساد را ندارم؛ پس چرا از رفتارم ایراد می‌گیرید؟

۷. با بودن بی‌حجاب‌های فراوان که در هر حال اثر خود را می‌گذارند، رعایت کردن و نکردن این موضوع از طرف من چه تفاوتی دارد؟

۸. اگر همه زنان آزاد باشند، موضوع پوشش طبیعی و عادی نمی‌شود؟

۹. چرا حتی یک تار موی خانم‌ها نباید آشکار باشد؟ دیده شدن یک تار مو چه ضرری دارد؟

۱۰. چرا وقتی خانمی می‌خواهد نماز بخواند، حتی اگر در خانه‌ای خلوت هم باشد، باید حد پوشش را رعایت کند؟

اما پاسخ

۱. بی‌حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟

پاسخ این سؤال را با سخن یکی از بزرگان آغاز می‌کنم که می‌گوید:



اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد [و] اجتماع منحصرأً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.^۱

به نظر تو، میزان موفقیت در کدام محیط بیشتر است؟ وقتی که محیط کار، درس، تحقیق، آزمایش و تولید کالاهای مختلف، محیطی خالی از زمینه‌های وسوسه‌شیطان و دور از نگاه‌های آلوده و سخن‌های غرض‌آلود باشد یا هنگامی که توجه هرکسی در این محیط‌ها به جنس مخالف باشد؟

مناسب نبودن پوشش بانوان و مهار نکردن نگاه آقایان و اختلاط زن و مرد در محیط‌های مختلف اجتماعی، به قدری آثار زیان‌بار دارد که اگر کمی در آن‌ها دقت شود، قطعاً هیچ زن و مرد متعهد و دلسوزی، به چنین وضعی راضی نمی‌شود.

خواهرم، یقین دارم اگر در آنچه برایت می‌نویسم دقت کنی و متوجه شوی که با رعایت نکردن پوشش مناسب چه صدمات جدی و مهمی به افراد و جامعه وارد می‌شود، هرگز حاضر نیستی در این جرائم سهیم باشی!

۱. مرتضی مطهری، مسئلهٔ حجاب، ص ۷۶ و ۷۷، به نقل از کتابخانهٔ

الکترونیکی استاد مطهری (<http://lib.motahari.ir>).



در ادامه، به طور خلاصه، برخی از ضررهای رعایت نکردن پوشش بانوان را برایت می نویسم:

الف. برهم خوردن آسایش روانی

هنگامی که مردان و زنان در جامعه با حالتی برانگیزاننده ظاهر شده و هر لحظه با صحنه‌ای وسوسه‌گر مواجه می‌شوند، هوس‌ها و امیال نفسانی در آن‌ها بیدار می‌شود. از آنجا که نفس انسان با رسیدن به یک هوس سیر نمی‌شود و این هوس بازی همچون شعله آتشی می‌ماند که هرچه هیزم به آن برسد، فروزان‌تر می‌شود و از طرفی، همه هوس‌ها پاسخ خود را نمی‌یابد و نمی‌تواند بیابد، فشارهای عصبی و هیجانات روحی کم‌کم زیاد می‌شود و نتیجه آن، در شکل استرس، نگرانی، تفرق حواس، بداخلاقی و... ظاهر می‌شود.

ب. سست شدن بنیاد خانواده

مردی که هر روز در محیط کار و در مسیر حرکت، باده‌ها زن آرایش‌کرده و بی‌حجاب مواجه می‌شود، به‌ویژه هنگامی که لبخند دلنشین آنان را می‌بیند و سخنان صمیمی‌شان را می‌شنود، وقتی به خانه برمی‌گردد، دیگر از مشاهده همسر خود که از زحمت کار روزانه



خسته و غبارگرفته است، لذت نمی برد؛ در این میان، کافی است که از تعهد و تقوا هم کم بهره باشد تا همسر خود را با آن بانوان مقایسه کند و در نتیجه از زندگی خود دلسرد شده و زمینه انحراف و کج روی و احياناً جدایی شان فراهم شود.

بارها در روزنامه ها و... خوانده یا از اشخاص مختلف شنیده ایم که آقای با خانمی که در محیط کار یا تحصیلش بوده، ازدواج کرده و به تقاضای او، همسر قبلی خود را طلاق داده است!

افزایش آمار طلاق و تعداد کودکان فراری و خیابانی و کثرت فرزندان نامشروعی که ناشی از اختلافات خانوادگی و بی میلی زن و شوهر به ادامه زندگی است، انکار پذیر نیست؛ حال آنکه بیشترین عواقب، ریشه در





توجه به زنان و مردانِ کوچه و خیابان و محل کار دارد. خواهرم، دقت کرده‌ای چرا جوانان امروز کمتر به ازدواج میل دارند؟ در قدیم که محیط عمومی از خودنمایی زنان محفوظ‌تر بود، شیرین‌ترین آرزوی جوانان ازدواج بود و در سنین ابتدایی بلوغ، به سراغ ازدواج می‌رفتند؛ اما متأسفانه، امروزه می‌بینیم برخی از جوانان، زمانی که نشاط و شور دارند، به کام جویی از دختران و زنان بی‌حجاب مشغول‌اند و زمانی ازدواج می‌کنند که زن را تنها برای خدمتکاری و خلاصی از اصرار والدین به ازدواج می‌خواهند و دیگر نشاطی برای زندگی ندارند!

راستی اگر این‌همه صحنه‌های برانگیزاننده و چهره‌ها و آرایش‌های گوناگون را نمی‌دیدند، باز هم چنین بود؟! چه کسی باید خسارت از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، دربه‌دوری فرزندان، افزایش اضطراب و فشارهای عصبی و تبعات این اوضاع را بپردازد؟! آیا خانمی که با رعایت نکردن پوشش لازم یا به‌نمایش گذاشتن لباس‌ها و زینت‌ها و آرایش مهیج، در کوچه و خیابان و محل کار ظاهر می‌شود، متوجه آثار عمل خود است و آیا ممکن است عامدانه چنین کند؟!



ج. تضعیف فعالیت های اقتصادی و فرهنگی در جامعه

خواهرم، از تو می پرسم: در چه محیطی کارها بهتر و با دقت بیشتر انجام می شود؟ در کارگاهی که همه مرد باشند یا همه زن یا آنجا که دائم توجه مردی معطوف قیافه خانمی آراسته باشد و بالعکس؟

در کدام محیط تحصیل علم و کمال بیشتر محقق می شود؟ در کلاسی که پسر و دختر در فکر ارتباط با یکدیگر و مشاهده طرز لباس پوشیدن و راه رفتن و حرف زدن یکدیگرند یا آنجا که افراد هم جنس در یک کلاس هستند و تمام توجه شان معطوف به درس و استاد است؟

بسیار روشن است که اختلاط زن و مرد و رعایت نکردن پوشش لازم از سوی برخی زنان و نیز روحیه هوس رانی





برخی مردان، ذهن‌ها را مشغول می‌کند و بازده کارها را کاهش می‌دهد؛ علاوه بر این، بارها اتفاق افتاده است که جوانی با علاقه مشغول فعالیت اقتصادی یا تحصیل بوده؛ ولی با مشاهده زنان و دختران جوانی که بدون پوشش صحیح و با خودنمایی و جلوه‌فروشی‌های مسموم در جامعه ظاهر شده‌اند، تحریک شده و به وادی هرزگی و پوچی درگلتیده است و حتی درس و کار خود را رها کرده و سر از زندان یا مراکز فساد و اعتیاد درآورده است! آیا جبران خسارت ضایع شدن عمر این جوان‌ها کار ساده‌ای است؟! ضرری که از این ویرانگری‌های فکری و فرهنگی متوجه جامعه می‌شود، آیا خسارتی ناچیز و جبران‌پذیر است!؟

د. افزایش ناامنی و خیانت

سارقان همیشه در پی سرقت و تصاحب اموال دیگران هستند؛ اما هنگامی که شخصی بی احتیاطی می‌کند و مثلاً درب خودروی خود را باز می‌گذارد یا درب منزلش را نمی‌بندد یا طلا و جواهرات و پولش را در تیررس دید دیگران قرار می‌دهد، بیشتر در معرض دستبرد قرار دارد؛ چراکه در این صورت، سارقان زمینه را برای فعالیت خود مهیاتر می‌بینند.



همین‌طور افراد بیمار دل و کسانی که دنبال هوس رانی و کام‌جویی هستند، وقتی خانمی را می‌بینند که پوشش لازم را ندارد یا در مکان‌های عمومی با آرایش و لباس‌های برانگیزاننده حضور پیدا می‌کند، بیشتر تحریک می‌شوند و به او تعرض می‌کنند و با ایجاد مزاحمت‌های مختلف، به اذیت و آزارش می‌پردازند؛ تا آنجا که آبرو و حتی جانِ چنین خانم‌هایی بارها به‌دست این‌گونه افراد به‌خطر افتاده است.

اگر پروندهٔ جانیانی را مرور کنی که با عنوان‌هایی نظیر خفاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو و... محاکمه شده‌اند، می‌بینی تقریباً تمام کسانی که به دام اینان افتاده‌اند و پس از تحمل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده‌اند، خانم‌هایی بوده‌اند که پوشش لازم و خداپسند نداشته‌اند. متأسفانه این‌گونه قربانیان





حوادث ناگوار، کم نیستند و شک ندارم که اکثر آن‌ها، هرگز نه قصد ایجاد ناامنی در جامعه را داشته‌اند و نه از جان خود سیر شده بودند؛ بلکه به‌گمان خود می‌خواستند با لباس و آرایشی که به آن علاقه دارند، در کوچه و خیابان ظاهر شوند؛ غافل از اینکه این کار، چه نتایج تأسف باری به دنبال دارد! قطعاً تداوم چنین رخدادهایی، باعث افزایش ناامنی و فساد در جامعه و از بین رفتن آسایش فردی و اجتماعی خواهد شد.

هـ. کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه

تا زمانی که زنان در جامعه خودآرایی و خودنمایی نکنند و زینت و آرایش و دلربایی را به محیط خانواده محدود کرده و آن را ویژه همسران خود قرار دهند، هر مردی برای همسر خود ارزش و احترام لازم را قائل است و نعمت زیبایی، وسیله‌ای می‌شود برای گرمی زندگی و حفظ حرمت همسران؛ اما زمانی که این کار، همه‌جایی شود و هر مردی در کوچه و خیابان، با نگاه و ارتباط نادرست، به راحتی از ده‌ها زن بهره‌بردار، دیگر حرمت جایگاه زنان و نقش اصلی امتیازات واقعی آنان به فراموشی سپرده خواهد شد و زنان فقط وسیله‌ای می‌شوند برای کام‌جویی مردان.



در چنین وضعیتی است که ممکن است مردی در کمال بی انصافی و نمک نشناسی، به همسر خود بگوید: «در کوچه و خیابان، هرزنی که بخوایم، ریخته است!»

چه زشت است این تعبیر و چه سنگین است جرم کسانی که سبب می شوند ارزش زن تا این حد پایین بیاید؛ اما دردناک تر از این، سوء استفاده پول پرستان و دنیا طلبان از دختران و زنان و تبدیل کردن آنان به کالا و بلکه کمتر از کالا است!

چقدر تأسف آور است که می بینیم برای فروش برخی از مجله ها و به دست آوردن پول بیشتر، از چاپ عکس یک خانم روی جلد آن ها استفاده می کنند و برای جلب مشتری بیشتر، در فروشگاه ها فروشنده خانم می گذارند و برای افزایش تماشاچیان یک فیلم، کسانی





را به کار می‌گیرند که حاضرند بیشتر خودنمایی کنند! آیا این استفادهٔ ابزاری از زن، توهین به مقام زن نیست؟! آیا زنانی که خود را از نگاه دیگران حفظ نمی‌کنند، باعث این بی‌حرمتی‌ها به خود و دیگر زنان نشده‌اند؟! موضوع ابزارشدن زنان و استفاده از چهره و زیبایی آنان، به حدی گسترش یافته است که گاهی حتی زنانی که به نظر می‌رسد انسان‌هایی هنرمند و مفید و آگاهی‌بخش هستند، خود به این حقیقت تلخ اعتراف کرده‌اند. به این عبارات که اعترافات یک هنرپیشهٔ معروف سینماست، توجه کن:

من خودم را ستاره، به معنای کسی که فروش یک فیلم را تضمین کند، نمی‌دانم. منتقدان مطبوعات و نشریات در نقد فیلم‌های من، زیاد به بازی‌هایم توجه نمی‌کنند. این روزها احساس بدی به من دست داده است. خیلی بد است که یک بازیگر به این نتیجه برسد که تماشاگران، صرفاً برای دیدن چهره‌اش به سینما می‌آیند، نه به خاطر بازی‌اش. خودم به این نتیجهٔ تلخ رسیده‌ام که باید در بازی‌هایم تجدید نظر کنم...^۱

آری، این نتیجهٔ بسیار تلخی است که به جای توجه به هنر، علم، تلاش و فعالیت‌های صحیح و رشدآور، توجه جامعه به چهره‌ها و هوس‌رانی‌ها معطوف می‌شود؛

۱. روزنامهٔ خراسان، ۲۶ شهریور ۱۳۸۰.



اما باید پاسخ این سؤال را بیابیم که چه کسانی به این سوءاستفاده‌ها و بی‌حرمتی‌ها دامن می‌زنند و کدام شیوه پوشش و حضور در جامعه، زمینه‌ساز این تلخی‌هاست؟

آیا اگر زنان جز با رعایت پوشش و وقار لازم، حاضر به حضور در اجتماع نباشند و از عشوہ‌گری و برخوردهای سبک‌سرانه و وسوسه‌انگیز پرهیز کنند و اجازه استفاده ابزاری از خود را به دیگران ندهند، باز هم این رویدادهای تلخ تکرار می‌شود؟

۲. آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده است؟

بله، اتفاقاً بحث لزوم پوشش بانوان از نکاتی است که با صراحت و به روشنی در قرآن آمده است.





در دو سوره از قرآن، موضوع پوشش زنان مطرح شده است:
در سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱ و سوره احزاب، آیه ۵۹.

البته به اهمیت عفت و پاک دامنی و حفظ حرمت اجتماع، مکرر و به شیوه‌های مختلف در قرآن تأکید شده است؛ اما کیفیت پوشش بانوان در دو آیه به روشنی بیان شده است. من مضمون آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور را به طور خلاصه برای می نویسم؛ ولی خودت می توانی به تفاسیر مراجعه کنی و بیشتر درباره این آیات مطالعه کنی. در این آیات این نکته‌ها مطرح شده است:

الف. تذکر به مردان در زمینه رعایت پاک دامنی و پرهیز از نگاه حرام؛

ب. تذکر به زنان در زمینه رعایت پاک دامنی و پرهیز از نگاه حرام؛

ج. نهی زنان از آشکار کردن زینت‌ها؛

د. امر زنان به پوشاندن گردن و سینه، با روسری بلند یا مقنعه؛

ه. بیان استثنائات حکم پوشش؛

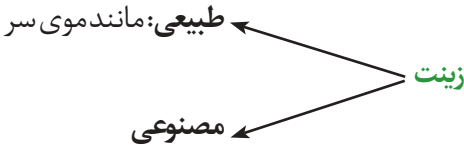
و. امر به پرهیز از خودنمایی و جلب توجه نامحرمان.
از میان این نکات، نکات «ج» و «د»، بیشتر مرتبط با بحث ماست؛ برای همین به بررسی بیشتر این دو نکته می پردازیم.



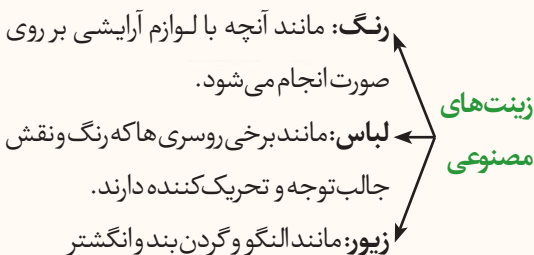
نکته اول: نهی زنان از آشکار کردن زینت

در بخشی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور می خوانیم: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (نباید زنان زینت های خود را آشکار کنند؛ جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است).
 واژه زینت در لغت، آن است که موجب آراستگی می شود.
 در کهن ترین متون لغوی می خوانیم: «الزَّيْنُ: نَقِيضُ الشَّيْنِ... وَ الزَّيْنَةُ جَامِعٌ لِكُلِّ مَا يُتَزَيَّنُ بِهِ.»^۱ (زیبایی نقیض زشتی است... و زینت در بر دارد آنچه را که به واسطه آن آراستگی حاصل آید).

پس در حقیقت، زینت عبارت است از نیکویی در هر چیزی، خواه عَرَضی باشد، خواه ذاتی؛ بنابراین زینت در زن، هر آن چیزی است که در شمار زیبایی ها و آراستگی ها و نیکویی ها به حساب آید. بر اساس این توضیح، می توانیم زینت های مدنظر در موضوع حجاب را چنین تقسیم بندی کنیم:



۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۳۸۷.



اکنون که مفهوم زینت روشن شد، باز هم آیه شریفه را مرور می‌کنیم: «آنان نباید زینت خود را آشکار کنند.»

باتوجه به مصادیق زینت و مثال‌هایی که زدیم، به روشنی از این آیه شریفه استفاده می‌شود که خداوند اجازه نداده است زینت زن، یعنی موی سر، آرایش صورت، لباس‌های مهیج و زیورآلات او و... برای نامحرمان آشکار باشد؛ اما در ادامه همین آیه فرموده است: ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (جز آن مقدار که به‌طور طبیعی ظاهر است).

البته باتوجه به نکاتی که در روایات و نیز تفاسیر بعضی از عالمان دینی آمده است، این استثنا، فقط گردی صورت به‌مقداری که در وضو شسته می‌شود و نیز دست‌ها از مچ تا سرانگشتان را شامل می‌شود. این‌ها زینت‌های طبیعی است که از حکم پوشش مستثنا شده است. از میان زینت‌های مصنوعی هم، نمونه‌هایی نظیر حلقه ازدواج که هدف از داشتن



آن، اعلام تأهل و ازدواج است و به قصد جلب توجه نامحرمان استفاده نمی‌شود، از قاعده پوشیدگی مستثنا شده است؛^۱ ولی غیر از این قسمت‌ها، بقیه بدن و زینت‌ها را باید از نامحرمان پوشاند.

نکته دوم: پوشاندن گردن و سینه به وسیله روسری یا مقنعه

در ادامه آیه ۳۱ سوره مبارکه نور آمده است: ﴿وَلْيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ (و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]). واژه «خُمُر» جمع «خِمار» و در اصل به معنای پوشش است؛ ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند، مثل روسری یا مقنعه.



۱. البته نظر مراجع بزرگوار تقلید در این باره متفاوت است و هر مکلفی باید به حکم مرجع تقلید خود رجوع کند.



واژه «جُیوب» جمع «جَیب» به معنای یقه پیراهن است که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه نیز به تناسب مجاورت با آن اطلاق می‌شود.

قبل از نزول این آیه شریفه، زنان دامنه‌روسی خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند؛ به طوری که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد. خداوند با فرستادن این آیه دستور داد که زنان روسری خود را بر گریبان خود بیندازند تا هم گردنشان پوشیده باشد و هم آن قسمت از سینه که بیرون است.^۱

پس می‌بینی که بحث پوشش بانوان و کیفیت آن، به صراحت و روشنی در آیات قرآن مطرح شده است. اکنون که فهمیدی رعایت پوشش، خواست خداوند عزیزمان است، به توضیح درباره فلسفه و حکمت آن می‌پردازم.

۳. چه انگیزه‌ای برای حفظ پوشش وجود دارد یا

به عبارت دیگر، فلسفه و حکمت پوشش چیست؟

خواهرم، پرسیده‌ای به چه انگیزه‌ای پوشش داشته باشی

۱. برای توضیح بیشتر درباره مفهوم این آیه شریفه و معنای لغات آن، می‌توانی به تفاسیر مختلف عربی و فارسی، از جمله تفسیر نمونه، جلد ۱۴ مراجعه کنی.



و چرا از انواع لباس های باب روز و آرایش استفاده نکنی؟
 من معتقدم اگر دقایقی را به کشف این مهم
 اختصاص دهی و با خودت خلوت کنی و درباره این
 موضوع بیندیشی، انگیزه های ارزشمندی پیدامی کنی.
 درواقع، ارزشش را دارد که آدم برای گزینش شیوه
 صحیح زندگی، وقت صرف کند؛ چراکه زندگی به منزله
 جاده ای است که در آن روان هستیم و هرروز و هر هفته
 و هرماه، مقداری از این مسیر طی می شود و راه بازگشتی
 هم نداریم. تاکنون از چند مرحله عبور کرده ایم: نوزادی
 و کودکی و نوجوانی و همین طور در حال گذر و حرکت
 هستیم. آیا سزاوار نیست ساعتی فکر کنیم و جهتی را
 انتخاب کنیم که به ترکستان نباشد؟!





به نظر من، هر بانوی مسلمان می‌تواند با انگیزه‌هایی که برایت می‌نویسم، پوششی مناسب داشته باشد تا حضورش در جامعه، حضوری سالم و مفید باشد.

الف. ابراز صداقت در دوستی با خداوند

لابد تو هم بارها شاهد بوده‌ای که افرادی به خودت یا دیگران اظهار دوستی و علاقه و ارادت کرده‌اند و گاهی هم از الفاظی نظیر چاکرم و مخلصم و فدایت شوم استفاده کرده‌اند؛ اما فرض کن روزی به یکی از این افراد بگویی مبلغی پول لازم داری و در جواب بگویی: «شرمنده‌ام. اتفاقاً من می‌خواستم همین درخواست را از شما بکنم.» روز دیگر به او بگویی: «اگر ممکن است، فلان کتاب را به من امانت بده تا بخوانم» و او بگوید: «اتفاقاً خودم تصمیم گرفته‌ام آن را مطالعه کنم.» اگر او بار دیگر و بار دیگر، هر بار از انجام خواسته‌ات سر باز زند و تنها به همان «چاکرم و فدایت شوم» اکتفا کند، قضاوت تو دربارهٔ او چیست؟ آیا در دل نمی‌گویی: «این چه دوستی‌ای است که از زبان فراتر نمی‌رود و هیچ نمودی در خارج ندارد؟!» اکنون دربارهٔ رابطهٔ خود با خدا بیندیش. ما در برابر خدای مهربانمان اظهار بندگی و اطاعت و دوستی می‌کنیم؛ اما نشانهٔ صداقت در این دوستی، انجام کاری



است که او می‌پسندد. بهترین انگیزه برای پوشش تو همین است که بخواهی به پروردگار خودت، خالق و رازق و فریادرس و بهترین دوست خودت، اظهار محبت کنی و صداقتت را با گردن نهادن به خواسته‌ او ثابت کنی.

الان که زائر امام رضا علیه السلام هستی، می‌توانی به ایشان بگویی: «آقا، من تا آنجا که شنیده یا در تاریخ خوانده‌ام، همسران و دختران و مادران شما اهل بیت علیهم السلام، پوشش خداپسند و کامل را رعایت می‌کرده‌اند. من هم می‌خواهم مثل آن‌ها باشم!» مطمئن باش که این خود، انگیزه‌ای قوی خواهد بود.

ب. شکر نعمت سلامتی و زیبایی

وقتی انسان سری به بیمارستان می‌زند و بیماری را می‌بیند که از نعمت سلامتی محروم‌اند و جوان‌هایی





را می‌بیند که چگونه روی تخت‌ها افتاده‌اند و در آرزوی روزی هستند که بتوانند با پای خود، به محیط خانواده و جامعه بازگردند، آنگاه متوجه نعمت سلامتی می‌شود. این سلامتی و زیبایی که از نعمت‌های بزرگ خداوند است، تشکر لازم دارد و حداقل تشکر، این است که به وسیله همان نعمت، معصیت نکرده و با بخشنده نعمت مخالفت نکنیم.

خواهرم، این بار که در آینه نگاه می‌کنی، لحظاتی با خود بیندیش که:

چه کسی این چشم‌های زیبا را به من داده است؟ این همه ظرافت و دقت، لطف کیست؟ راستی اگر این چشم‌ها نباشند، زندگی من چقدر متفاوت می‌شود؟ آیا انصاف است با همین نعمت‌ها با دشمن خدا، یعنی شیطان، همکاری کنم و خواسته بخشنده این نعمت‌ها را نادیده بگیرم؟!

خواهرم، تقاضا دارم با حوصله بیشتر به این عبارت‌ها دقت کنی. تصور کن روزی همراه فرزندت از راهی عبور می‌کنی و چند کودک را می‌بینی که مشغول بازی هستند. تو از سبد سیبی که داری، به هر کدام از آن‌ها سیبی می‌دهی؛ ولی آن‌ها نه فقط از تو تشکر نمی‌کنند، بلکه کمی از سیب‌ها را می‌خورند و باقی‌مانده آن را هم به سر و صورت فرزندت می‌زنند و او را مجروح



می‌کنند! اگر این اتفاق بیفتد، قضاوت تو درباره آن
کودکان چیست؟

خداوند سبحان که فرزند ندارد؛ اما مردم بندگان خدا و
خانواده او هستند. اگر خانمی به جای شکر نعمت زیبایی
و سلامتی، سبب بیماری روحی و آسیب دیدن باطن
و روان بندگان خدا شود و آنان را از راه سعادت و کمال
منحرف کند و به بیراهه هواپرستی و شهوت رانی بکشد،
چنین فردی چه تفاوتی با آن کودکان ناسپاس دارد؟
آری، شکر نعمت زیبایی و سلامتی، انگیزه مهم
دیگری است برای رعایت پوشش خداپسندانه.

ج. خلع سلاح شیطان

شیطان که دشمن قسم خورده ما انسان‌هاست،
همواره درصدد فریبکاری و ضربه زدن به ماست. او





در پی زمینه‌هایی می‌گردد که بهتر بتواند انسان‌ها را فریب دهد؛ برای همین است که می‌بینی وقتی پای پول، مقام، شهرت و منافع در میان است، انسان‌ها بیشتر فریب شیطان را می‌خورند و می‌لغزند؛ زیرا در این‌گونه موقعیت‌ها، شیطان فعالیت و وسوسه‌گری خود را افزایش می‌دهد و می‌کوشد ایمان انسان را برآید. حال، اگر ما سبب شویم شیطان در کار خود موفق شود، به جای اینکه یاور خدا و دین‌باشیم، خواسته یا ناخواسته، یاور شیطان شده‌ایم. شکی نیست که آرایش و خودنمایی و رعایت نکردن پوشش مناسب از سوی زنان، از دام‌های بسیار مهم و وسایل وسوسه‌ شیطان و فریبکاری اوست. چه بسیار پاکانی که تسلیم زور نشده‌اند؛ ولی شیطان آنان را از طریق زنانی بی‌توجه و خام، زمین زده و از بهشت برین به جهنم کشانده است!

آری، بی‌دلیل نیست که پیامبر عزیزمان، محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «الَّتَطَّرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ»^۱ (نگاه حرام تیری است زهرآلود از تیرهای شیطان).

شکارچی وقتی نمی‌تواند آهوی تیزپایی را شکار کند،

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۹۳.



با پرتاب تیری او را ضعیف کرده و حرکتش را کند می‌کند؛ آن‌گاه به سرعت خود را به او می‌رساند و می‌گیردش، شیطان هم وقتی که می‌خواهد دختری یا پسر با ایمان و متعهدی را اسیر خود کند، ولی مقاومت او را می‌بیند، ابتدا وسوسه‌اش می‌کند تا با چشمش خیانت کند و با ترغیب او به نگاه حرام، نیروی ایمان را در وجودش تضعیف می‌کند و کم‌کم او را به دام خود می‌اندازد. می‌خواهم این‌طور نتیجه بگیرم که یکی از انگیزه‌های قوی حفظ پوشش و عفاف و وقار، این است که هر بانوی مسلمان و معتقد، این سلاح را از شیطان می‌گیرد و او را از خود ناامید می‌کند و اجازه نمی‌دهد شیطان از وجود او سوءاستفاده کرده و در دام خود گرفتارش کند.





د. تحصیل امنیت فردی و اجتماعی

خانمی که پوشش صحیحی ندارد و خودآرایی می‌کند، افراد مریض و مغرض را متوجه خود می‌کند و طبیعی است که چنین افرادی مزاحمت‌هایی برای او ایجاد می‌کنند و کم‌کم با شیوع این مواج‌هات، ناامنی در جامعه گسترش می‌یابد. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردم، بیشتر اسیدپاشی‌ها، آدم‌ربایی‌ها، تعرض‌ها و بی‌حرمتی‌ها، در مواجهه با خانم‌هایی صورت گرفته است که از پوشش خوب و وقار لازم برخوردار نبوده‌اند؛ پس می‌شود ادعا کرد که حفظ امنیت فردی و اجتماعی هم از جمله انگیزه‌های قوی حفظ پوشش است.

ه. شریک نشدن در جرم و تقصیر دیگران

برخی از خانم‌هایی که با پوشش مهیج و آرایش‌های توجه‌برانگیز در کوچه و خیابان حاضر می‌شوند، می‌گویند:

ما نه خودمان، اهل هرزگی و خیانت به همسرانمان هستیم و نه به افراد فاسد اجازه می‌دهیم که متعزّض ما شوند و حتی با ما صحبت کنند؛ پس در عین حال که پوشش لازم را نداریم، هرگز اجازه نمی‌دهیم از ما سوءاستفاده شود یا به دام افراد شیاد و فرصت‌طلب بیفتیم.



باید به چنین بانوانی گفت که وقار و متانت آن ها در مقابل نامحرمان، ستودنی و ارزشمند است؛ اما از دو نکته نباید غافل شد: اول اینکه وقتی فهمیدیم پوشش بانوان خواست خداوند و فرمان اوست، در هر حال باید مطیع او باشیم؛ خواه زمینه سوءاستفاده شیاطین فراهم باشد و خواه نباشد. دوم اینکه گاهی اتفاق می افتد مثلاً جوانی با دیدن خانمی که پوشش مناسب ندارد و با سر و وضعی برانگیزاننده در خیابان حاضر شده است، تحت تأثیر وسوسه های شیطانی قرار گیرد و بخواهد مزاحمتی برای آن خانم ایجاد کند و با رفتار تند آن خانم مواجه شود و برگردد؛ ولی این طوفان درونی، او را به حال خود نمی گذارد و باعث می شود به سراغ فرد دیگری برود و برای بقیه مزاحمت ایجاد کند.





فریب خوردن دختری جوان و جداشدن او از خانواده و درگیری و ضرب و شتم و گاهی فجایع دیگر، همه و همه، برخی از پیامدهای این وضعیت‌اند.

عامل اصلی این خطاها و خسارت‌ها، اولین خانمی است که با وضع نادرست خود، زمینه‌ساز این وسوسه‌ها و اشتباهات شده است. گاهی این اشتباهات به خطاهای بزرگ‌تر و بزرگ‌تر منجر می‌شود و جرمی بسیار سنگین پدید می‌آید و صدالبته، بیشترین مسئولیت این وضعیت، بردوش مسبب اصلی و عامل اول است.

بگذار خاطرۀ تلخی را برایت بازگو کنم که هرگز آن را فراموش نمی‌کنم: «جوانی پس از درد دل کردن‌های مفصل با من، گفت: «هرگناهی که شما تصور کنید، از من سرزده است و آغاز همهٔ این انحرافات، دیدن یک منظرۀ مهیج و تحریک‌کننده بود!»

خواهرم، خوب بیندیش: اگر آن منظره، ظاهر خانمی بی‌احتیاط باشد که بالباس و آرایش خاص خود، این جوان را در معرض سیل وسوسه‌های شیطانی قرار داده است، چقدر جرم او سنگین است و در چه گناهان بزرگی شریک شده است؛ درحالی‌که خودش از همه جا بی‌خبر، درد دل می‌گوید: «من که به کار کسی کار ندارم



و به راه خودم می‌روم! پس گاهی همین رعایت نکردن پوشش و نداشتن وقار لازم، انسان را شریک جرم دیگران قرار می‌دهد.

و. دیگر آثار و برکات جانبی حفظ پوشش

علاوه بر آنچه برای نوشتنم، رعایت پوشش مناسب برای هر بانوی مسلمان، آثار و برکات جانبی دیگری هم دارد، مانند تشویق دیگران به بندگی خدا و رعایت خواست او. در هر جامعه‌ای می‌توان مردم را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که خوب‌اند و در خوبی خود محکم و پابرجایند و دسته دوم بدان و افراد نادرستی هستند که در خطاکاری خود پابرجا و ثابت‌قدم‌اند. این دو دسته همیشه در اقلیت‌اند؛ اما اکثریت افراد هر جامعه





که دسته سوم را تشکیل می‌دهند، تابع وضع موجود در موقعیت حاکم هستند: اگر خوبی‌ها رواج یابد، ایشان هم تبعیت می‌کنند و اگر رسوم و قواعدی نادرست در جامعه عرضه شود، از همان پیروی می‌کنند؛ بنابراین کسانی که راه‌ورس می‌را در جامعه نشر می‌دهند، در چگونگی رفتار سایر افراد دخیل‌اند؛ چه آن راه‌ورس خوب باشد و چه بد.

پیامبر عزیزمان فرموده‌اند:

هرکس دعوت به هدایت کند و دیگران از او تبعیت کنند، پاداشی مانند پاداش پیروانش خواهد داشت؛ بدون اینکه از پاداش آن‌ها کم شود و هرکس دعوت به گمراهی کند و دیگران از او تبعیت کنند، کیفری مانند کیفر پیروانش خواهد داشت؛ بدون اینکه از گناه آن‌ها

چیزی کم شود.^۱

درباره بحث ما هم باید اذعان کرد رعایت‌کننده پوشش مناسب، از پاداش تشویق دیگران به این عمل خدایسند بهره‌مند است.

بگذار اضافه کنم که تقویت اراده و مبارزه با نفس نیز از آثار این عمل ارزشمند است. احتمالاً می‌دانی که

۱. ورام‌بن‌ابی‌فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ج ۲، ص ۱۲۷: «أَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى الْهُدَى فَاتَّبِعْ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَأَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ وَاتَّبِعَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ أُوزَارِ مَنْ اتَّبَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُوزَارِهِمْ شَيْءٌ».



یکی از حالات نفس انسان، نفس اماره نامیده می‌شود که همواره انسان را به بدی‌ها وامی‌دارد. برخی گفته‌اند کسی که به خواست نفس خود عمل کند و به فرمان او، از فرمان خداوند سرپیچی کند، مانند شخصی است که بچه‌گرگی را از بیابان گرفته است و چون نوزاد هر حیوانی دوست داشتنی است، به او غذا می‌دهد و با او بازی می‌کند، غافل از اینکه هر لقمه‌ای که به او می‌دهد، دشمن خطرناکی را می‌پروراند که وقتی قوی شد، اول خود او را از بین می‌برد.

خانمی که میل باطنی و خواست نفسانی او خودنمایی و آراستگی در مقابل نامحرمان است؛ اما برای خدا و جلب رضای او با خواست نفس خود مبارزه کرده و پوشش لازم را رعایت می‌کند، به تدریج از اراده‌ای قوی





برخوردار می‌شود و در سایر امور هم راحت‌تر می‌تواند بر اساس عقل و طبق فرمان خدای مهربان عمل کند و سایر غرایز، مانند ریاست‌طلبی و حرص و طمع را هم در وجود خود مهار کند.

۴. چرا به مردان نمی‌گویند نگاه نکنید تا زنان مجبور نباشند خود را بیپوشانند؟

می‌دانم حالا که به این بخش از نامه رسیده‌ای، دیگر این سؤال برای تو مطرح نیست؛ زیرا ملاحظه کرده‌ای که نه فقط به مردان تذکر داده شده است، بلکه قبل از هر سخنی و در اولین جمله به این نکته تأکید شده است. در آیه ۳۰ سوره مبارکه نور، آنجا که خداوند می‌خواهد به زنان توصیه کند پوشش لازم را در مقابل نامحرم حفظ کنند، ابتدا به مردان درباره نگاه توصیه کرده است و به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ (ای پیامبر، به مردان مؤمن بگو نگاه خود را کوتاه کنند [و به حرام چشم ندوزند]). اما بدیهی است که نمی‌شود فقط به این تذکر اکتفا کرد؛ بلکه باید زمینه‌های نگاه حرام هم برچیده شود؛ همان‌گونه که برای حفظ امنیت اموال یک جامعه، نمی‌توان فقط به مردم توصیه کرد که چشم به اموال دیگران نداشته



باشند و در ملک دیگران تصرف نکنند؛ بلکه باید علاوه بر این توصیه، اشیای ارزشمند را از دسترس عموم دور نگه داشت و از آن‌ها مراقبت کرد. این است که در فرمان‌های الهی که خود، تنها ضامن حفظ سلامت و امنیت شخص و جامعه است، هر دو جنبه رعایت شده و دستورهای لازم، هم به مردان و هم به زنان داده شده است.

۵. چرا مردان مجازند هرکاری می‌خواهند بکنند و هرگونه می‌خواهند، لباس بپوشند؛ اما زنان باید حدود پوشش را رعایت کنند؟

در پاسخ این سؤال باید بگوییم این طور نیست که مردان هیچ تکلیفی نداشته باشند و هرگونه لباسی بپوشند، از منظر دین بی‌اشکال باشد؛ بلکه چون هدف تمام





این دستورات، حفظ حرمت اجتماع و تأمین امنیت جسمی و روحی جامعه و پیشگیری از نفوذ شیطان و افکار شیطانی در میان انسان‌هاست، اگر مردی بداند حضور او در جامعه با وضعیتی خاص، مانند پوشیدن لباس آستین‌کوتاه یا آرایش و پیرایشی ویژه، دیگران را به گناه وامی‌دارد، او هم باید از آن وضعیت اجتناب کند. اما علت اینکه دربارهٔ پوشش کمتر به مردان تذکر داده شده است، این است که خداوند زیبایی و جاذبه را در وجود زن قرار داده است و مردان عموماً آن چنان تهییج‌کننده نیستند که لازم باشد کاملاً خود را بپوشانند؛ پس دستور پوشش به تناسب جاذبه و زیبایی داده شده است.

شاهد این مدعا این است که می‌بینیم در طول تاریخ، غالباً زن‌ها صید و مردان صیاد بوده‌اند و همواره در ادبیات و قصه‌ها و اشعار، از جاذبه و زیبایی زنان سخن به میان آمده است و هرگز شاعری به توصیف زیبایی‌های جسمانی هیچ مردی نپرداخته است؛ پس ملاحظه می‌کنی که هرگز تبعیض بین زن و مرد مطرح نیست؛ بلکه خداوند حکیم، براساس واقعیت‌ها و ویژگی‌های جسمانی و حالات روحی زن و مرد، برای آنان تکالیفی را معین فرموده است.



۶. درست است که من پوشش را رعایت نمی‌کنم و با آرایش و لباس‌های شیک بیرون می‌آیم، اما قصد ترویج فساد را ندارم؛ پس چرا از رفتارم ایراد می‌گیرید؟

خواهرم، برایم نوشته‌ای با آرایش و لباس‌های شیک بیرون می‌آیی؛ ولی هرگز قصد ایجاد انحراف و فساد نداری. قبل از اظهار نظر درباره این حرفت، چند سؤال دارم: اگر پس از یک روز پرکار و خسته‌کننده بخواهی استراحت کنی، اما همسایه صدای تلویزیون را بلند کند، فقط برای اینکه خودش این‌طور دوست دارد و از صدای بلند خوشش می‌آید و به هیچ وجه هم قصد مردم‌آزاری نداشته باشد، دیگر صدای تلویزیون او مزاحم استراحت تو نیست؟! اگر در یک روز سرد زمستان، سوار تاکسی





شوی تا به مقصدی بروی و به علت سرما شیشه‌ها هم بالا باشد و در همین حال، مسافر کناریِ تو سیگاری را روشن کند و ضمن سیگار کشیدن عذرخواهی کند و بگوید برای اینکه گرم شود، سیگار می‌کشد، آیا دیگر دود سیگار او به سلامتی تو آسیبی نمی‌رساند و از این وضع ناراحت نمی‌شوی؟! اصلاً اگر کسی که به تازگی عصایی خریده است و نمی‌داند آن عصا چقدر محکم است، به قصد آزمودن عصا، آن را در سردی‌گری بکوبد، آسیبی به آن شخص نمی‌رسد؟!

می‌توانیم نتیجه بگیریم که هرگز «خطر» با وجود «قصد سوء نداشتن» از بین نمی‌رود؛ بلکه باید «عامل خطر» را از بین برد!

۷. با بودن بی حجاب‌های فراوان که در هر حال اثر خود را می‌گذارند، رعایت کردن و نکردن این موضوع از طرف من چه تفاوتی دارد؟

حالا می‌رسیم به آنجا که بر این نکته انگشت گذاشته‌ای و گفته‌ای: «این همه بی حجابی!»

من معتقدم حتی اگر همه خانم‌هایی که در کوچه و خیابان هستند، پوشش را رعایت نکنند، باز هم تو دلایل کافی برای حفظ پوشش خدایسندانه داری:

اول اینکه تو مسئول گناهان صورت گرفته نباشی. هرکس مرتکب خطایی شود، خودش مسئول است و باید در دادگاه الهی پاسخگو باشد. اگر کسی به نحوی باخبر شود که امشب چند سارق قصد دارند از منزل همسایه اش که به مسافرت رفته است، سرقت کنند و یقین داشته باشد حتماً امشب قالی های همسایه به سرقت می رود، می تواند در دل بگوید: «دره حال که فرش های همسایه از دستش می رود، پس من خودم آن ها را برمی دارم»؟ می تواند با این استدلال، قبل از دزدها به خانه همسایه برود و فرش ها را به منزل خود انتقال دهد؟ قضاوت تو درباره کار این شخص چیست؟ اگر بگوید: «او که دره حال فرش ها را از دست می داد، پس کار من چه ضرر بیشتری برای او داشت»، پاسخ تو چیست؟





آیا نمی‌گویی: «بله، در هر حال فرش‌ها می‌رفت؛ اما آن‌که باید پاسخ‌گو باشد، متفاوت است»؟ نمی‌گفتی اگر سارقان می‌بردند آنان گرفتار می‌شدند و بایست خسارت می‌دادند؛ ولی اکنون او مسئول این خسارت است؟

در بحث پوشش هم درست است که با بودن افراد بی‌حجاب، جوان‌هایی به انحراف کشیده می‌شوند، ولی اگر تو پوشیدگی را رعایت نکنی، در مسئولیت انحراف و مفاسد ایجاد شده، سهیم خواهی بود.

دومین دلیل، حفظ ارزش‌هاست. اگر هنگامی که در جامعه دروغ زیاد شد، افراد راست‌گو هم تصور کنند با این همه دروغ، راست‌گویی آن‌ها فایده‌ای ندارد و با این تصوّر، آنان هم به دروغ‌گویان بپیوندند یا با افزایش خیانت، امانت‌داران هم به آنان ملحق شوند و با فراوان شدن کسانی که رعایت پوشش صحیح را نمی‌کنند، دیگران هم به آنان اقتدا کنند، دیگر ارزش‌ها در جامعه کم‌رنگ می‌شود و نسل جدید با ارزش‌هایی مانند راست‌گویی و امانت‌داری بیگانه می‌شوند. پس یکی از انگیزه‌های مهم عمل به درستی‌ها، حتی در موقعیتی که کمتر به آن‌ها توجه می‌شود، حفظ ارزش‌هاست و اگر کسانی که به این ارزش‌ها عمل می‌کنند، از موضع خود عقب ننشینند و استقامت



کنند، امید است که علاوه بر حفظ ارزش‌ها، دیگران هم به آنان بپیوندند و کم‌کم صفات پسندیده در جامعه رواج یابد.

می‌رسیم به سومین دلیل که از نظر من مهم‌ترین دلیل است: اطاعت از پروردگار و محترم شمردن دستوراتش.

حتماً می‌دانی که حکم خداوند بابتی توجهی برخی افراد و حتی عمل نکردن همه انسان‌ها از بین نمی‌رود؛ پس هرچند خیلی‌ها به موضوع پوشش که دستور و خواست خداوند است، بی‌توجه باشند، باز هم این برنامه قرآنی به قوت خود باقی است و باید به آن احترام گذاشت.

۸. اگر همه زن‌ها آزاد باشند، موضوع پوشش،

طبیعی و عادی نمی‌شود؟

تصور می‌کنی اگر همه زن‌ها آزاد باشند، موضوع





پوشش، طبیعی و عادی می‌شود. خواهرم، پیش‌تر، از دیگران شنیده بودم که اگر در جامعه ما هم گناه و بی‌بندوباری آزاد باشد، این موضوع عادی می‌شود و این قدر مردم حریص گناه نخواهند بود! البته من هم با عادی شدن موافقم؛ اما به نظر من، در آن صورت، دو نکته طبیعی و عادی می‌شود:

الف. مرحله‌ای از گناه و فساد عادی می‌شود و افراد به دنبال مرحله جدیدی می‌روند؛ نه اینکه فساد به کلی تعطیل شود. برای جوانی که به‌وفور سیگار در اختیارش باشد، ممکن است سیگار کشیدن عادی شود؛ اما در این صورت، به احتمال بسیار قوی، به مواد مخدر مهلک‌تری رو می‌آورد؛ همان‌طور که در جامعه ما، وقتی پیدا بودن قسمت کمی از موی جلوی سر خانم‌ها عادی شد و هیچ‌کس از دیدن آن تعجب نکرد، باز شدن یقه‌ها، کوتاه شدن مانتوها، بالا رفتن آستین‌ها و مراحل بعد آغاز شد! پس عادی شدن به معنای تمام شدن خطا و خلاف نیست؛ بلکه زمینه انتقال به مرحله‌ای خطرناک‌تر و پرفسادتر است.

ب. آثار و عواقب گناه عادی می‌شود. تصور کن خانمی به دیدن دوستش رفته است و بالحنی حاکی از تعجب به او می‌گوید:



چرا کبریت و چرخ گوشت و کارد را قایم کرده‌ای و دور از دسترس بچه‌ها گذاشته‌ای؟! در منزل ما این چیزها در دسترس است و همه چیز هم برای بچه‌ها عادی شده است. آن قدر این‌ها را دیده‌اند که برایشان کاملاً طبیعی است.

حالا همین خانم پس از چند دقیقه که دوستش از او می‌پرسد: «چرا فرهادکو چولو را با خودت نیاورده‌ای؟» می‌گوید: «همین دیروز انگشتانش را توی چرخ گوشت فرو کرده بود و بردمش بیمارستان.» احوال مژگان را هم که می‌پرسد، می‌گوید: «او هم با کارد انگشتش را قطع کرده است و بر روی تختی کنار فرهاد در بیمارستان بستری است.» موقع رفتن هم، زمانی که دوستش می‌گوید: «ببخشید جمعاً آینده مجلسی داریم. اگر





اشکالی ندارد، قالی اتاق پذیرایی‌تان را یک‌روزه به ما امانت بدهید»، شرمسارانه می‌گوید: «شرمنده‌ام! همین هفته قبل، بچه‌ها با کبریت بازی می‌کردند و گل وسط قالی را سوزاندند.»

چنین فردی درحالی‌که به عواقب خطرناکِ در دسترس بودن و آزاد بودن اعتراف می‌کند، در همان حال، از عادی شدن سخن می‌گوید! پس آنچه عادی شده است، مشاهده عواقب کار خلاف است، نه خود خلاف!

خواهرم، واقعیت‌ها و آمار و گزارش‌ها حاکی از این است که در جوامع غربی هم که ما گمان می‌کنیم برهنه بودن و آزاد بودن ارتباطات زن و مرد عادی است و براین اساس هیچ معضلی ندارند، فساد و تباهی و تجاوز به حقوق و حدود دیگران، روزافزون است و از عادی شدن به معنای پایان خطا و خلاف، هرگز خبری نیست. کافی است به قصد تحقیق، تعدادی روزنامه و مجله را ورق بزنی تا از آثار شوم این عادی شدن‌ها آگاه‌تر شوی.

من سه گزارش از چند روزنامه متعلق به چند سال پیش برایت می‌نویسم؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

به گزارش تحقیقاتی که از سوی اداره مطالعات جمعیت

انگلیس تهیه شده است، در سه ماهه آخر سال گذشته میلادی، بیش از ۳۱ درصد از کودکانی که در مناطق مختلف انگلیس به دنیا آمده‌اند، پدر مشخص نداشته‌اند.^۱

شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» در گزارش خود می‌گوید: «۵۰ درصد کودکان آمریکا را اطفال نامشروع تشکیل می‌دهند و شمار خانواده‌هایی که قربانی طلاق شده‌اند نیز رو به افزایش است.»^۲

تلویزیون «سی.ان.ان» فیلم‌های کوتاهی از حمله به دختران و زنان و کمک‌خواستن آنان از مردم و پلیس را نشان داد و اضافه کرد که حقیقتاً کار جرم و جنایت در جامعه آمریکا به مراحل حاد کشیده شده است؛ به طوری که آمار قتل، تعرض جنسی، دزدی و انواع شرارت‌ها، روز به روز در شهرهای آمریکا افزایش می‌یابد و پلیس که قادر به جلوگیری از این جرائم نیست، به زنان و دختران توصیه می‌کند که سلاح گرم یا سرد یا سرنگ‌های مختلف محتوی داروی بی‌هوشی همراه داشته باشند تا بتوانند در برابر حمله افراد شرور از خود دفاع کنند.^۳

خُب، با تمام این اوصاف، می‌خواهم پاسخ بخش دیگری از نامهات را بدهم که پرسیده‌ای...

۱. روزنامه اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۷۱.

۲. روزنامه اطلاعات، ۷ تیر ۱۳۷۱.

۳. روزنامه اطلاعات، ۹ خرداد ۱۳۷۰.



۹. چرا حتی یک تار موی خانم‌ها نباید آشکار باشد؟

دیدن شدن یک تار مو چه ضرری دارد؟

برای فهم پاسخ این سؤال دو نکته حائز اهمیت است:
الف. تمام احکام الهی که بر اساس حکمت و برای خیر و مصلحت ما وضع شده است، در کم و زیادِ مصداق مدنظر، باید رعایت شود. به این مثال‌ها دقت کن:
 خون نجس است، یک سطل خون نجس است، یک کاسه خون، یک استکان، یک قاشق و حتی یک سر سوزن خون هم نجس است. سرقت مال مردم حرام است و در این حکم تفاوتی بین یک کیسه گندم و یک مشت گندم وجود ندارد و حتی برداشتن یک دانه گندم هم بدون رضایت صاحبش حرام است. غذا خوردن عمدی هم برای شخص روزه‌دار حرام است و روزه را باطل می‌کند و حتی اگر یک دانه برنج را عمداً فرو دهد، روزه‌اش باطل می‌شود.

حکم پوشش هم همین‌طور است؛ پس وقتی ظاهر بودن موهای سردر مقابل نامحرم حرام است، چه تمام سردیده شود، چه کمی از آن و چه حتی یک تار مو، در هر حال حرام است.

ب. تمام کارهای خطا و نادرست از کم شروع می‌شود و اصولاً شیطان بسیار باحوصله و پربطاعت است. او



ابتدا گناه و خطای بسیار کوچکی را پیشنهاد می‌کند و هنگامی که جواب مثبت شنید، قدم بعدی را برمی‌دارد. خواهرم، از خودت می‌پرسم: اگر روزی بینی فرزند کوچکت می‌خواهد فقط یک پک به سیگار بزند، چرا او را منع می‌کنی؟ مگر یک پک سیگار چقدر ضرر دارد؟ حتماً می‌گویی: «موضوع یک پک نیست؛ بعد از آن، هوس می‌کند یک سیگار بکشد و بعد، یک بسته و پس از مدتی هم دنبال منقل و وافور می‌رود!»

آری، درست فهمیده‌ای: در مقابل هرچه نادرست و خطاست، باید از اولین قدم ایستاد و از همان اندک پرهیز کرد؛ وگرنه قدم‌های بعدی ناگزیر برداشته خواهد شد. چه ضرب‌المثل پرمحتوایی است اینکه می‌گوید: «تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.»





۱۰. چرا وقتی خانمی می خواهد نماز بخواند، حتی اگر در خانه‌ای خلوت هم باشد، باید حد پوشش را رعایت کند؟

حال می پردازم به آخرین نکته‌ای که علامت سؤال را در ذهن تو شکل داده بود: در خانه خلوت و پوشش؟! خواهرم، هرگز فراموش نکن که خداوند مهربان و حکیم، همیشه خیر و سعادت بندگان را می خواهد و هیچ کدام از تکالیف الهی بدون حکمت نیست؛ خواه ما آن را بفهمیم و خواه نه. این دستور خداوند هم حکمت‌هایی دارد که این نمونه‌ها می‌تواند بخشی از آن‌ها باشد:

الف. تمرین کمالات

نماز علاوه بر آثار و برکات فراوانی که دارد، تمرین کمالات است. در نماز، ما ارزش‌هایی مانند اخلاص، خضوع و خشوع در مقابل پروردگار، ذکر، قرآن، دعا و به فکر همه بودن را تمرین می‌کنیم؛ پس نماز مجموعه‌ای از کمالات و ارزش‌هاست و از آنجا که پوشش بانوان از نظر خداوند و در قرآن کریم، ارزش و کمال زن محسوب می‌شود، این کمال نیز هر روز و در کنار سایر کمالات، تمرین و یادآوری می‌شود.

ب. اعلام آمادگی برای طاعت و بندگی

فرمانده لشکری به سربازان و سپاهیان خود می‌گوید:



«یک سرباز منظم و وظیفه‌شناس، باید همیشه در محیط پادگان بالباس فرم و پوتین حضور یابد.» حال سربازی را تصور کن که می‌خواسته است با فرمانده ملاقات کند و هنگامی که به دفتر فرمانده وارد می‌شود، باینکه این دفتر در خارج از پادگان و در ساختمانی دیگر است، باز هم بالباس فرم و پوتین در این ملاقات حاضر می‌شود. در واقع این سرباز با عمل خود، به فرمانده اعلام کرده است که دستور او را اطاعت می‌کند؛ پس گاهی کیفیت و شکل حضور، گویای حقیقتی است؛ هرچند آن حقیقت به زبان جاری نشود.

هر خانم مسلمان و معتقد و متعهد هم وقتی با پوشش خداپسندانه در ملاقات با خداوند حاضر می‌شود، در واقع، برای اجرای این دستور حکیمانه خداوند، اعلام آمادگی و رضایت کرده است.





سخن آخر

خواهرم، در پایان از تو تقاضا دارم که در آنچه برایت نوشته‌ام، اندیشه کنی و دربارهٔ این نکته بیشتر فکر کنی که دنیا فانی است و جوانی و جلوه‌های آن با سرعت می‌گذرد. چه بسیار پیری رویانی که بر سر ازدواج با آنان رقابت‌ها و درگیری‌ها و مسابقه‌ها بود؛ اما سالیان سال است که آن چهره‌های زیبا، در زیر خاک آرمیده‌اند و چه بسا جز مشتی استخوان از آنان چیزی نمانده باشد و آنچه باقی مانده است، صرفاً عمل آنان و چگونگی استفادهٔ ایشان از نعمت زیبایی و سلامتی است.

یادت است وقتی مدرسه می‌رفتیم چه ذوق و شوقی داشتیم؟ در روزهای جشن و اعیاد، بچه‌های هر کلاس، کلاس خودشان را آذین می‌بستند. هرکسی برای خودش در کلاس جایی داشت: یکی به دیگری می‌گفت که جایش کنار پنجره است و منظرهٔ باغچهٔ حیاط را می‌بیند و آن دیگری فخر می‌فروخت که در نزدیک‌ترین نیمکت به معلم می‌نشیند و...! اما اکنون سالیان سال است که دیگر ما دانش‌آموز آن کلاس و آن مدرسه نیستیم و نه نیمکتی داریم و نه کلاسی و آنچه از ما در آن مدرسه باقی است، فقط پرونده‌ها و نمره‌های ماست.



خواهرم! زمان زیبایی جوانی، در معرض توجه بودن، سرآمد بودن و همه دیگر زیبایی‌های دنیا به سرعت می‌گذرد و در پرونده هر فرد، فقط نمره او در مدرسه دنیا و بهره‌اش از بازار دنیا باقی می‌ماند.

گفتم بازار و این سخن زیبای امام دهم، امام هادی علیه السلام به یاد آمد که فرموده‌اند: «دنیا بازاری است که برخی در آن سود می‌برند و گروهی زیان!» آری، این حقیقت انکارناپذیر است که دنیا بازار است: هر روز جمعی داخل این بازار شده و جمعی از آن خارج می‌شوند. عده‌ای با سرمایه عمر، بهترین کالاها را که علم و عمل و جلب رضای پروردگار است، از این بازار می‌خرند و با دست‌پیر، از آن خارج می‌شوند و عده‌ای هم سرمایه‌ها را از کف داده و سودی نمی‌برند



۱. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۲۸۵: «الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ».



و با دست خالی این بازار را ترک می کنند؛ پس همان گونه که هنگام خرید پارچه، وقتی دو پارچه عرضه می شود، آن ها را مقایسه می کنی و ویژگی های هر دو را در نظر می گیری و در نهایت، هر کدام را که با صرفه تر یافتی، برمی داری، در بین کارها هم باید این مقایسه را انجام دهی و کاری را برگزینی که سودمندتر است. در پایان، به عنوان خلاصه این نامه، آثار رعایت پوشش و رعایت نکردن آن را فهرست واریادآوری می کنم. آن ها را باهم مقایسه کن و با استمداد از خداوند قادرِ مهربان، راه ثواب و صواب^۱ را انتخاب کن.



توصیهٔ آخر

خواهرم، ضمن تشکر از روحیهٔ حق‌پذیری‌ات و اینکه به دنبال کشف حقیقت و انتخاب راه درست و سالم‌تر هستی، توصیه‌ای دارم:

اکنون که توفیق زیارت امام مهربان، مولایمان علی بن موسی الرضا علیه السلام روزی توشده است و می‌دانی که زائر رضوی، پاک از زهر گناه و با دلی نورانی و قلبی پرفصفا برمی‌گردد، با آن حضرت عهدی ببند و این عهدنامه را همراه داشته باش و حداقل ماهی یک بار مرورش کن تا هم خاطرهٔ شیرین زیارت برایت زنده شود و هم از قراری که با آن بزرگوار گذاشته‌ای، غافل نشوی.





پیامدهای رعایت نکردن حد پوشش	نتایج رعایت حد پوشش
<p>۱. نارضایتی پروردگار</p> <p>۲. در معرض توجه افراد غافل و خطاکار قرار گرفتن</p> <p>۳. امیدوار کردن شیطان</p> <p>۴. تضعیف اراده در اثر اطاعت از هوای نفس</p> <p>۵. به خطر انداختن خود و دیگران</p> <p>۶. از بین بردن سلامت معنوی جامعه</p> <p>۷. سرد شدن روابط و به خطر افتادن نظام خانواده</p> <p>۸. افزایش تنش و نگرانی</p> <p>۹. تضعیف قوای فرهنگی و اقتصادی جامعه</p> <p>۱۰. کم شدن ارزش و حرمت زن</p> <p>۱۱. مجری نقشه‌های بداندیشان و شیادان شدن</p> <p>۱۲. مشارکت در جرم و خطای دیگران</p> <p>۱۳. دور کردن دیگران از ارزش‌ها</p> <p>۱۴. محرومیت از دعای خیر خوبان</p>	<p>۱. رضایت خداوند</p> <p>۲. در معرض توجه اولیای خدا قرار گرفتن</p> <p>۳. ناامید شدن شیطان</p> <p>۴. تقویت اراده و تسلط بر نفس</p> <p>۵. امنیت فردی و اجتماعی</p> <p>۶. کمک به حفظ سلامت جامعه</p> <p>۷. کمک به حفظ نظام خانواده و گرمی آن</p> <p>۸. آرامش روحی در اثر اطاعت از پروردگار</p> <p>۹. کمک به رشد فرهنگ و اقتصاد جامعه</p> <p>۱۰. تثبیت ارزش و حرمت واقعی زن در جامعه</p> <p>۱۱. مجری حکم قرآن شدن</p> <p>۱۲. شریک جرم دیگران نبودن</p> <p>۱۳. تشویق دیگران در رسیدن به ارزش‌ها</p> <p>۱۴. دعای خیر خوبان را پشت سر داشتن</p>



عهدنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مولای رؤوف و مهربانم، آقا، امام هشتم! از اینکه مرا به میهمانی خود دعوت کردید، ممنون و سپاسگزارم. من هم به شکرانه این توفیق الهی، به شما قول می‌دهم که تلاش کنم تا پاکی و صفای این سفر معنوی را حفظ کنم و به‌ویژه، به پوشش و حجاب خود متعهد بمانم و آن‌گونه که خداوند دستور داده است و شما راضی هستید، پوشش مرا رعایت کرده و ضمن پرهیز از رفتار و گفتار وسوسه‌گر، دیگران را هم به این تکلیف الهی تشویق کنم.

آقا، شما هم لطف کنید و تا زنده‌ام، مکرر مرا میهمان خود فرمایید و در قیامت هم شفیعم باشید.

به امید دیدار بعدی!

امضا



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی فراس، وزّام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وزّام)، ج ۲، چ ۱، قم: مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ ق.
۳. روزنامه اطلاعات، ۹ خرداد ۱۳۷۰ و ۴ تیر ۱۳۷۱ و ۷ تیر ۱۳۷۱.
۴. روزنامه خراسان، ۲۶ شهریور ۱۳۸۰.
۵. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چ ۱، نجف: مطبعة الحیدریه، بی تا.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۷، چ ۲، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۷. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۲۶، چ ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، به نقل از کتابخانه الکترونیکی استاد مطهری (<http://www.lib.motahari.ir>).



مسابقه فرهنگی من دختر خیابان انقلابم

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقه فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد سه‌رقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: من دختر خیابان انقلابم ۳۴۲ هانیه سادات حسینی
۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس

رضوی، به نشانی: www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۲۵۶۹۰۳۲۰ - ۰۵۱



پرسش‌ها

پرسش اول: در کدام گزینه، ضررهای رعایت نکردن حدّ

پوشش از سوی بانوان آمده است؟ _____

- ۱. سست شدن بنیاد خانواده
- ۲. پایین رفتن بیش از حدّ سن ازدواج
- ۳. برهم خوردن آسایش روانی
- ۴. گزینه ۱ و ۳

پرسش دوم: موضوع آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب کدام

است؟ _____

- ۱. جایگاه زن در خانواده
- ۲. رعایت حد پوشش از سوی زنان
- ۳. ترغیب به انجام ازدواج
- ۴. سست شدن بنیان جامعه

پرسش سوم: با وجود افراد فراوانی که حجاب ندارند،

مهم‌ترین دلیل برای رعایت حجاب کدام است؟ _____

- ۱. مسئول نبودن در قبال گناهان صورت گرفته در جامعه
- ۲. تشویق دیگران در رسیدن به ارزش‌های دینی
- ۳. اطاعت از پروردگار و محترم شمردن دستور خداوند
- ۴. دعای خیر خوبان را پشت سر داشتن

پاسخ‌نامه مسابقه من دختر خیابان انقلاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت یا کد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرش اول				
دوم				
سوم				

نظرسنجی کتاب من دختر خیابان انقلاب

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقادات:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کد پستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵